

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۰۲۰۲۶ / ۸ / ۱۶

ن. جلیلزاد

سوءاستفاده از سکوت یک زن گرامی وفات شده روایت سازی انتقام جویانه زیر نام تاریخ



گلالی ملکیرداود

داوود ملکیر

۱۸ سال کمین برای تحریف/کینه / انتقام / تحقیر، دشنام و دروغ. تلاش مذبحخانه برای تبرئه کودتاچیان ۷ ثور / تحریف خونین‌ترین فصل تاریخ افغانستان وقتی شاعر ادعایی، به جای شعر، کینه می نویسد/ سقوط وجدان در لباس ادبیات. وقتی کینه شخصی جای سند تاریخی را می گیرد/ سقوط اخلاقی پخش کننده صوت. هرده ۱۸ سال کمین برای تحریف/ نشر روایت خصوصی به عنوان ابزار انتقام. تحقیر، دشنام، دروغ / لحن کسی که سند ندارد و به خشونت زبانی پناه می برد. روایت سازی در تاریکی / چگونه یک فایل صوتی به چکش تحریف تاریخ تبدیل شد. پنهان کاری، تأخیر، نشر پس از مرگ / سه گانه نقض اخلاق و عدالت روایی. از رکیک گویی تا روایت سازی / چهره واقعی کسی که حقیقت را با دشنام می پوشاند.

داود ملکیر

به عنوان یک انسان متمدن / متمدنانه به این سوال ها پاسخ بدهید . هر سند صوتی یا شفاهی که ادعای افشای یک رویداد تاریخی حساس را دارد، پیش از آنکه به عنوان «حقیقت» پذیرفته شود، باید از صافی استانداردهای حقوقی و روش شناسی اثبات عبور کند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ټولنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

این استانداردها، مستقل از اینکه محتوای سند به نفع کدام روایت یا کدام طرف تاریخی تمام شود، باید یکسان اعمال شوند. در ادامه، پرسش های حقوقی و روش شناسی مطرح می شود که پاسخ دهی به آن ها، معیار سنجش اعتبار هر سند مشابهی است / نه فقط این یک مورد.

درباره ای رضایت و حریم خصوصی:

■ آیا رضایت شفاهی و غیرمکتوب برای «ثبت» یک گفت وگو، به خودی خود شامل رضایت برای «انتشار عمومی» آن نیز می شود؟

■ در نبود سند مکتوب رضایت، چه کسی بار اثبات وجود یا عدم وجود آن رضایت را بر عهده دارد؟
■ آیا خواسته ای صریح یک فرد مبنی بر «عدم انتشار در زمان حیات»، پس از مرگ او، همچنان الزام آور باقی می ماند یا وارثان و ناشر می توانند در آن بازنگری کنند؟
■ حقوق حریم خصوصی پس از مرگ در نظام های حقوقی مختلف چگونه تعریف می شود، و آیا خانواده ای متوفی حق اعتراض به انتشار دارند؟

■ آیا ارزیابی اصالت یک فایل صوتی توسط یک فرد غیررسمی (هرچند متخصص تکنالوژی) جایگزین تحلیل فارتزیک مستقل و رسمی می شود؟
زنجیره ای نگهداری سند (chain of custody) از لحظه ای ضبط تا انتشار، طی ۱۸ سال، چگونه مستند و قابل راستی آزمایی است؟

■ چه کسی، با چه ابزار و چه گواهی نامه ای فنی، صلاحیت رسمی تأیید «اصالت» یک فایل صوتی در برابر ادعای دستکاری یا تولید مصنوعی را دارد؟
■ آیا نبود نسخه ای اصلی (نوار خام، فایل مبدأ) در کنار نسخه ای منتشر شده، اعتبار سند را زیر سوال می برد؟

درباره ای توالی روایت و شهادت:

■ چرا نسخه ای تحریری گفتار، سه سال پیش از انتشار نسخه ای صوتی منتشر شد، و این توالی چه تأثیری بر ارزیابی استقلال دو سند از یکدیگر دارد؟
■ آیا امکان دارد که نسخه ای صوتی، پس از انتشار نسخه ای تحریری و در عکس العمل به تردیدهای عمومی، با علم به محتوای متن پیشین، بازسازی یا تنظیم شده باشد؟
■ در غیاب شاهدان ثالث مستقل در لحظه ای ضبط، چگونه می توان صحت شرایط ضبط (زمان، مکان، رضایت) را اثبات کرد؟

درباره ای وضعیت گوینده و شرایط شهادت:

■ ارزیابی سلامت شناسی فردی که سال ها پیش از فوتش گفتاری را بیان کرده، بدون معاینه ای بالینی همزمان، از نظر حقوقی چه اعتباری دارد؟
■ آیا شهادتی که در نبود سوال و جواب متقابل (cross-examination) ثبت شده، می تواند در استانداردهای اثباتی رویدادهای تاریخی مورد مناقشه، همتر از با شهادت رسمی قرار گیرد؟
■ تفاوت حقوقی میان «خاطره ای شخصی نقل شده» و «شهادت رسمی قابل استناد در تاریخ نگاری» چیست؟

درباره ای مسئولیت ناشر و اخلاق تاریخ نگاری:

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ

■ ناشر یک سند شفاهی حساس، در قبالِ صحتِ سنجیِ مستقلِ آن، پیش از انتشار، چه مسئولیتی دارد؟

■ آیا تأخیر چندین ساله در انتشار، بدون توضیحِ مستندِ دلایلِ آن تأخیر، از نظر روشِ شناسیِ تاریخ نگاری، قابلِ قبول است؟

■ چگونه می توان میان «افشای یک رویدادِ تاریخیِ مهم برای منافع عمومی» و «انتشارِ گزینشیِ سندی که به نفعِ یک روایتِ خاص است»، مرزِ حقوقی و اخلاقیِ ترسیم کرد؟

■ درباره ای داوری نهایی:

■ در نبودِ کمیسیونی مستقل و بی طرف برای بررسیِ اسنادِ متعارضِ درباره ای رویدادِ هفت ثور، چه نهادی صلاحیتِ داوریِ نهاییِ درباره ای اعتبارِ این سند را دارد؟

■ آیا صرفِ «تأییدِ اصالتِ صدا» (اینکه صدا واقعاً متعلق به آن فرد است)، به معنای اثباتِ «صحتِ محتوای» گفته شده نیز هست؟

■ چه استانداردی باید برای پذیرشِ یک شهادتِ منفرد، در برابرِ روایتِ های متعددِ رقیبِ تاریخی که طی دهه ها شکل گرفته اند، اعمال شود؟

این پرسش ها، مستقل از هویتِ ناشر یا محتوای سند، باید درباره ای هر سندِ مشابهی / از هر طرفِ این مناقشه ای تاریخی / مطرح شوند.

عدالتِ تاریخی، تنها زمانی محقق می شود که معیارهای اثبات، یکسان و بدون گزینش بر همه ای روایت ها اعمال گردد.

پخش کننده این صوت، نه شاهد تاریخ است و نه حاملِ امانت / او فقط صاحبِ زخمی کهنه است که پس از پنج دهه هنوز می سوزد و حالا می خواهد با یک فایل صوتی، تاریخ را از نو بنویسد و مسئولیتِ جنایتی را که کودتاجیان خلق و پرچم مرتکب شدند، از دوش آنان بردارد.

این تلاش، نه شجاعت است و نه افشاگری/ تحریف است، انتقام است، و سوءاستفاده از سکوتِ یک زنِ درگذشته.

او ادعا می کند «۱۸ سال صبر کرده» / اما این صبر، صبرِ حقیقت جو نیست/ صبرِ کسی است که منتظر لحظه ای بوده تا روایت را در زمانی نشر کند که صاحبِ روایتِ دیگر زنده نباشد و نتواند توضیح دهد، تصحیح کند یا اعتراض کند. این عمل، در اخلاقِ حقوقی، سوءاستفاده از وضعیتِ متوفی و نقضِ اعتماد است.

هیچ محکمه ای، هیچ نهاد رسانه ای و هیچ معیار حرفه ای، نشرِ روایتِ خصوصیِ یک فرد را پس از مرگ او، بدون وصیت، مشروع نمی داند. پخش کننده صوت، با لحنی پر از تحقیر، دشنام و کلماتِ رکیک، منتقدان را «خیله»، «اوقی»، «استخوان شکسته» می نامد/ این لحن، نه لحنِ کسی است که حقیقت را حمل می کند، بلکه لحنِ کسی است که از ضعفِ استدلال به خشونتِ زبانی پناه برده.

کسی که حقیقت دارد، فریاد نمی زند/ سند می آورد. کسی که سند ندارد، دشنام می دهد.

او ادعا می کند «اجازه ثبت گفتار» داشته است/ اما هیچ سندی ارائه نمی کند.

در حقوق، رضایت شفاهی بدون سند، هیچ ارزش اثباتی ندارد. و حتی اگر ثبت با رضایت بوده باشد، نشر با رضایت نبوده/ و این دو عمل، از نظر حقوقی کاملاً مستقل اند.

او خود اعتراف می کند که گلالی داود گفته بود «نشر نشود».

همین یک جمله، تمام ادعاهای او را فرو می ریزد:

وقتی صاحب روایت نشر را منع کرده، نشر آن نقض صریح حریم خصوصی است. پخش‌کننده صوت، با یک حرکت خطرناک، تلاش می کند مسئولیت قتل عام خانواده داود خان را از دوش کودتاجیان خلق و پرچم بردارد و آن را به گردن خود داود خان و پسرش بیندازد. این ادعا، نه سند دارد، نه شاهد، نه پشتوانه تاریخی/ فقط یک روایت شفاهی ثبت شده در شرایط نامعلوم روانی. تاریخ را با روایت های تک نفره نمی نویسند/ تاریخ را با اسناد، گزارش های رسمی، شهادت های متعدد و تحقیقات مستقل می نویسند.

این ادعا، نه جسارت است، نه کشف/ تحریف آشکار تاریخ است. او برای اثبات «اصالت صوت»، به ارزیابی یک فرد ناشناس در اینترنت استناد می کند/ فردی که نه هویت حقوقی دارد، نه صلاحیت رسمی، نه مسئولیت علمی. در حقوق، چنین ارزیابی هایی هیچ ارزش اثباتی ندارند. اگر صوت «کاملاً authentic» است، چرا به جای ارزیابی رسمی، به یک کامنت اینترنتی استناد می شود؟

پخش کننده صوت، با تهدید منتقدان به محکمه، نشان می دهد که نه فهم حقوق دارد و نه اخلاق منظره. تهدید حقوقی بدون مبنا، خود می تواند جرم باشد. کسی که حقیقت دارد، به محکمه خوشحال می رود/ کسی که حقیقت ندارد، محکمه را به چماق تبدیل می کند. او ادعا می کند شاعر است/ اما شعر با تحقیر، با دوگویی، با کینه، با تحریف، با وجدان پریشان سازگار نیست.

شعر، فرزند صداقت است/ نه فرزند انتقام. کسی که کلمه «خیله» را ابزار استدلال می کند، نه شاعر است و نه حامل نور زبان.

در نهایت، پخش کننده صوت باید بداند:

تاریخ را نمی توان با یک فایل صوتی، با یک روایت تک نفره، با یک لحن کینه توز، یا با یک انتقام شخصی بازنویسی کرد. تاریخ افغانستان، با خون نوشته شده/ با سند، با شاهد، با تحقیق. و هیچ روایت تحریف شده ای، هرچند با فریاد نشر شود، نمی تواند حقیقت قتل عام خانواده داود خان را از دوش کودتاجیان خلق و پرچم بردارد/ گروه هایی که مسئول جنایت گسترده، نقض حقوق بشر و کشتار غیرنظامیان در افغانستان بوده اند. این صوت، سند نیست/

این صوت، سوءاستفاده از سکوت یک زن درگذشته است. و پخش کننده آن، نه افشاگر تاریخ/ بلکه تحریف کننده تاریخ است. درود بر روان پاک گلالی داود